



الفصل الرابع: في نكاح المنة

بسم الله الرحمن الرحيم

المستعان بك يا صاحب الزمان عج الله تعالى فرجه

توضیحات: با تشکر از برادر عزیزم محسن بهرامی که نسخه نموداری قابل تغییر لعمه را در سایت طلبگی تا اجتهاد قرار دادند توضیحات متن شهید اول و ثانی از جزوه ی استاد بزرگواررحیمی استخراج شده که اثر برادر عزیزم محمد علی هراتی ست اگر در این اثر از حیث محتوی ایراد وارد باشد به حقیر برمیگردد نه جزوه و بیان استاد بزرگوارم رحیمی این نمودار و محتوی آن بی شک دارای نواقص و کاستی هایی ست که امیدوارم به دست شما برادران بزرگوار خودم تکمیل شود این اثر جهت استفاده طلاب و نشر آن در بین مومنین تهیه شده است لذا هرگونه استفاده مالی جهت کسب درآمد از این اثر را جایز نمی دالم ثواب این اثر را هدیه میکنم به روح مطهر مادر سادات صدیقه کبری سلام الله علیها به برکت 5 صلوات محمدی پسند بیان شهیدین با رنگ مجزا مشخصاً در نمودار آمده ست

و لا خلاف فی شرعیته: دلیل مشروعیت اجماعی بین شیعه و اهل سنت و القرآن مصرح به: فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً و دعوی تسخیر لم یثبت ادعای نسخ این آیه با روایت ضعیف از پیامبر ثابت نمیشود بلکه علت تحریم دستور بعضی از صحابه ست و تحریم بغض الصحابه ایاه تشریح مردود علیه

احکام شرطاً: و ایجاباً کالتامیم: یعنی نیاز به ایجاب و قبول دارد دلیل: عقد لازم ست و قبوله کذلک

و حکمه کالتامیم: فی جمیع ما سلف و ولایه و تحریمات بنوعیه

طلاق: مطلقاً و لا یتق بها (أو لا یتلذذ) قسم بر ترک همبستری و لا تعان و لا یغنی عنها ترک همبستری با گفتن ظهرك علی کظهر امی

در نکاح دائم: نصاب زوجه مطرح است ابتدائاً مسلمان بخواهد یا زن کتابیه ازدواج کند جایز نیس اینکه لفظ «متمت» بتواند در ایجاب استفاده شود، اختلافی بود نفقه واجب ست بحث ارث و میراث مطرح است به خلاف عقد موقت و لا توارث إلا مع شرطیه

و لا تغدیر: محدودیتی در تعیین مهر یا مدت ندارد و کذا فی الأجل و کثرة و كثرة فی المهر و کثرة و كثرة فی الأجل و کثرة و كثرة فی المهر و کثرة و كثرة فی الأجل

و لو: و ههنا المنة قبل الدخول (فعلیه یضاه المسمی مهر تعیین شده) اخلتا بشیء من المنة (فاصلها به همان نسبت از مهرش کم می کند) (أجل بالأجل) گفتن مدت در عقد (فعلیه یضاه المسمی مهر تعیین شده) و لو: و کثرة و كثرة فی المهر و کثرة و كثرة فی الأجل و کثرة و كثرة فی المهر و کثرة و كثرة فی الأجل

و عیدتها: اگر زنی: کبیره + مدخول بها + باتیسه نیس + باردار هم نیست: عده اش بستگی دارد به حیض میشود حیضتین دو حیض در سن حیض باشد و حیض نشود

حیض نمی شود: وجه تسمیه: از ماهه ربیعه چون محل رب و شک است که میباید باردار شده است که حیض نمی بیند: اسم دیگر: ذات شهور و کثرة و كثرة فی المهر و کثرة و كثرة فی الأجل و کثرة و كثرة فی المهر و کثرة و كثرة فی الأجل

عده ی وفات: و من الوفاة و ضعفها و کثرة و كثرة فی المهر و کثرة و كثرة فی الأجل و کثرة و كثرة فی المهر و کثرة و كثرة فی الأجل

و لو كانت حاملاً: و لو كانت حاملاً و کثرة و كثرة فی المهر و کثرة و كثرة فی الأجل و کثرة و كثرة فی المهر و کثرة و كثرة فی الأجل

وَمَا نَسَأَلُ عَنْهُ

الْقَضَائِيَّاتُ فِي الْمَهْرِ

توضیحات

بسم الله الرحمن الرحيم

المستعان بك يا صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه

یا تشکر از برادر عزیزم محسن بهرامی که نسخه نموداری قابل تغییر لعمه را در سایت طلیعی تا اجتهاد قرار دادند توضیحات متن شهید اول و ثانی از جزوه ی استاد بزرگواررحیمی استخراج شده که اثر برادر عزیزم محمد علی هراتی ست اگر در این اثر از حیث محتوی ایراد وارد باشد به حقیر برمیگرد نه جزوه و بیان استاد بزرگوار رحیمی این نمودار و محتوی آن بی شک دارای نواقص و کاستی های ست که امیدوارم به دست شما برادران بزرگوار خودم تکمیل شود این اثر جهت استفاده طلاب و نشر آن در بین مومنین تهیه شده است لذا هرگونه استفاده مالی جهت کسب درآمد از این اثر را جایز نمی دانم ثواب این اثر را هدیه میکنم به روح مطهر مادر سادات صدیقه کبری سلام الله علیها به برکت 5 صلوات محمدی بسند بیان شهیدین یا رنگ مجزا مشخصاً در نمودار آمده ست

اما هو المراد من الرهن [شهید اول]
و تصور تعلیق [شهید ثانی]

شرایط مهر

باید عرفاً و شرعاً مالیت داشته باشد
عَمَّا كَانَ
كُلُّ مَا سَخَّ أَنْ يَمْلَكَ
عَمَّا كَانَ
أَوْ مُتَّفَقَةً

فَلَهُ
در قلمت مهریه نباید به گونه ای نباشد، که ارزشی نداشته باشد
مشهور
و تَكَرُّهُ أَنْ يَتَجَاوَزَ مَهْرَ السَّنَةِ
و هُوَ خَشْمَانَةٌ مَرْهَمٌ
حدی ندارد + بیشتر از مهر السنه باشد اشکالی ندارد اما کراهت دارد
شرح
مستحب است به اندازه مهر السنه باشد
سید مرتضی: نباید بیشتر از مهر السنه باشد

و بگویی فيه المشاهدة عن اغتیاره
در جایی که مهر حاضر ست
مشاهده ی مهر کفایت از اندازه گیری و قیمت گذاری ام شی کند
در جایی که مهر غائب ست
باید مهر کاملاً توصیف شود طوری که ابهام کاملاً زوده شود

زن شوهر کافری که مسلمان شدن مهریه و عقدشان درست ست
مَخ

و لو عقد المُتَّامِ عَلَى مَا لَا يَمْلِكُ فِي شَرْعِنَا
فَإِنْ اسْتَلَمْنَا انْتَقَلَ إِلَى الْيَقِينَةِ
مشهور
چون خودشان شرعاً منعذر هستند تبدیل به قیمت میشوند

و لو تزوجها على كتاب الله و سنَّه نبيه عليه السلام
و تصور تخلف تلویم القرآن مهرًا
اگر زن بگوید یا تو از دواج میکنم علی کتاب الله و سننه نبيه در این صورت مهر زن همان مهر السنه (500درهم) میشود
هر نوع منفعت عقلاًیی میتواند مهر شود. مثل تعلیم قرآن
یا توجه به اینکه منفعت میباید مهر باشد چه منفعت هابی را شامل میشود؟
فَهُوَ خَشْمَانَةٌ مَرْهَمٌ

مسئله
این عقد نفویض البیعی فقط نسبت به عقد دائم است
نکته
اینکه در عقد نفویضی میگوید: زوجت نفسی بلا مهر / لا مهر علیک
چون لازمه عقد نکاح (دائم یا بوقت) مهر است
به این معنا که بعداً مشخص میشود نه اینکه کلاً مهری نباشد

وجوب مهر
با صرف عقد مهر واجب نمیشود
فَلِنْ حَلْ
اگر دخول رخ داد
فَمَهْرُ الْمَهْلِ
یعنی مثل این زن یا این کمالات و شرایط معمولاً مهرش چندتر است
در عقد نفویض البیعی + اگر دخول واقع نشده + و به توافق نرسیدند
خَرَّةٌ كَانَتْ أَوْ أَنْفَ
فَلَهَا الْمَنْعَةُ
اینجا باید مهر المنعه بدهد
یعنی او را بهره مند سازد. و او را بی نصیب نگذارد

و ان طلق قبل النكاح

مهر المنعه بستگی دارد به وضعیت مالی زوج
مهر المنعه
و الْمَنْوُشَةُ
و الْقَفِيزُ
و الْخِثْمُ
و شَيْبُهُ
دینار
و خاتم
و شیشه

نصوص وضع
و یصح العقد البیعی
من غیر ذکر المهر

در عقد نفویض البیعی
هر مهری را که بعد عقد به توافق رسیدند و مهری را تعیین کردند همان میشود مهر المسمی
و لو تراضیتما بعد العقد بقرض المهر
خاز
و سائر لازماً
قابل فسح نیست

مقدمه
اینجا در حین عقد اجمالاً صحبت از مهر شده است. و تفصل اش به یک نفر بعد عقد و گذار میشود
مثلاً زن میگوید: من خودم را به عقد تو در می آوردم در مقابل مهری که تو / خودم / شخص ثالثی تعیین میکنم
حکم: کسی که بعد به تفصیل بیان میکند مهر چقدر باید باشد

و لو طلق قبل النكاح

و لو طلق قبل النكاح
فیمتلاً ما یحکم به الحاکم
و لو مات الحاکم قبل النكاح و الحاکم
فالتروی: ان لها المنعة
و لو مات المتخوم علیه
فلیحاکم الحاکم
و لو مات أحد الزوجین مع نفویض قبل النكاح
فلما شیء؟
روایت داریم که چیزی در این صورت برای زن نیست. مدلول ادله فقط در طلاق قبل دخول بود (در عقد نفویضی مهر) مطرح بود

جایی که مرد حکم باشد
ما حکم به الزوج
لیما یتوصل (من امواله)
جایی که زن حکم باشد
و ما حکمتها به الزوجة
اذا لم تتجاوز مهر السنه
طیعام مرد میخواهد مهر بدهد. لذا سخواهد کمتر بدهد
از نظر حداکثری مرد هر چقدر توانش هست بدهد
اما از نظر حداقلی مرد نباید چیزی بدهد که ارزش مالی نداشته باشد
طیعام زن میخواهد مهر بگیرد لذا میخواهد بیشتر بگیرد
در اینجا شارع بیان کرده از نظر حداکثر نباید بیشتر از مهر السنه باشد

اگر مرد زنی را طلاق داد + قبل اینکه حکم مهر تعیین کند + و قبل دخول: ایا اینجا هم مثل مورد قبلی مهر المنعه هست؟
نصف هر مقداری که حکم تعیین کرد
اینجا هم مثل نفویض البیعی است که باید یک چیزی (مهر المنعه) بدهد

و ما نَسَأَلُ عَنْهُ

الفصل الثامن: في القسم والنشور والشقاق

بسم الله الرحمن الرحيم

توضیحات

المصنوع بك يا صاحب الزمان عجب الله تعالى فرجه
 با تشکر از برادر عزیزم محسن بهرامی که نسخه نموداری قابل تغییر لعمه را در سایت طلبگی تا اجتهاد قرار دادند
 توضیحات متن شهید اول و ثانی از جزوه ی استاد بزرگوار رحیمی استخراج شده که اثر برادر عزیزم محمد علی هراتی ست
 اگر در این اثر از حیث محتوی ایراد وارد باشد به حقیر برمیگرد نه جزوه و بیان استاد بزرگوار رحیمی
 این نمودار و محتوی آن بی شک دارای نواقصی و کاستی های ست که امیدوارم به دست شما برادران بزرگوار خدوم تکمیل شود
 این اثر جهت استفاده طلاب و نشر آن در بین مومنین تهیه شده است لذا هرگونه استفاده مالی جهت کسب درآمد از این اثر را جایز نمی دانم
 ثواب این اثر را هدیه میکنم به روح مطهر مادر سادات صدیقه کبری سلام الله علیها به برکت 5 صلوات محمدی پسند
 بیان شهیدین با رنگ مهجرا مشخصاً در نمودار آمده ست

تعریف قسم

قسمی للزوجة الواحدة ليلة من أربع
 در این حالت اگر زوج 4 زن داشته باشد
 قسمی للزوجات الأربع
 مرد باید از اول شب تا پایان شب پیش زنش باشد
 و یختص بالثلاث
 این حق در دو حالت ساقط میشود
 و یختص بالثلاث
 زنی که باکره نیست 3 شب بیایی

احکام

و تسقط الفسقة به
 و یختص بالثلاث
 اگر زن خواسته باشد میتواند حق القسم خودش را به همسر دیگر زوجش (هوا) ببخشد
 و لو یلها الرجوع از هبه
 و لو رجعت فی أثناء النیة
 و لو رجعت و لمّا تعلم امره اگاه نشود
 و لا یصح الاختصاص (موض دادن) عن القسم بشئ
 و لا یتوزر الرجوع الشرعی فی نیتة شرعها
 و آنچه واجب ست هم خوابی ست
 نه نزدیکی که هر 4 ماه یکبار ست

تعریف

هو الخروج عن الطاعة
 (به نشور، شقاق صغیر هم میگویند. یعنی یک طرف از زوجین دارد از حد خودش تجاوز میکند
 نشانه نشور
 فدا ظهرت آثاره للزوج
 تطبیقها فی وجهه
 الخم و گرفته روتی زن نسبت به مرد
 و التشرم بخواتم
 بی توجهی نسبت به خواسته های مرد
 او تغیر عادتها فی ادبها نعمة
 او فیها
 و تطبیقها
 ابتدا او را نصیحت میکند
 بدون دوری کردن و تکذ زدن
 ثم حوّل ظهراً إلیها فی المضجع
 به زن در رختخواب پشت می کند
 ثم افترجها
 از او کناره گیری می کند
 و لا یخبر شرعها
 این رجا رجوعها بدون

احکام

و إذا انتفعت عن طاعة فیما یجب له
 اگر زن بازمه امتناع کرد از طاعت همسر
 و لو نشز بمنع حقوقها
 فلهما المتطابئة
 زن باید آن را مطالبه کند
 و لا یحکم إزائمه بها
 حاکم نیز باید زوج را در انجام وظایفش الزام کند
 و لو تزکت بغير حقوقها استیفاء له
 ای مرد هم میتواند این ها را قبول کند و شرعی است؟
 حل قیوادة
 اختلاف بین زن و شوهر که با هم بر سر آن سازش ندارند
 دو طرف از حقوق همدیگر شانه خالی میکنند
 به این مورد شقاق کبیر هم میگویند
 (یعنی هر دو طرف از حد خود تجاوز میکنند)
 این دو وکیل نیستند بلکه چیزی شبیه قاضی هستند
 من أهل الزوجین
 او من شرعها
 در شقاق زوج و زوجه ابتدا به حکمینی از طرفین یا غیر آن مراجعه میکنند
 بعد که مشکل زوجین را شنیدند یا هم تصمیم بگیرند که چطور مشکل این هارا حل کنند
 حکمیا
 اگر تصمیم حکمین بر اصلاح بود
 فلهما (فلهما باید زوجین انجام دهند)
 و إن اتفقا علی التفریق
 اگر حکم حکمین بر تفریق بود
 لم یصح إلا بإذن
 در صورتی صحیح ست که اذن بدهند
 و هرچی تصمیم بگیرند باید زوجین به آن عمل کنند، و مجبور به حکم حکم هستند
 شرط سائق
 مثلاً مرد از 4 شب یک شب . دو شب پیش زنش باشد
 و کلّ ما شرطه بلزم إذا کان سائياً
 شرط غیر سائق
 کاشترط ترک بعضی النفقة، أو القسمة
 او آن لا یسافر (مرد مسافرت نرود) بها لم یلزم الوفاء به

تعریف

ان یكون النشور بينهما و یخشی الفرقة
 این دو وکیل نیستند بلکه چیزی شبیه قاضی هستند
 من أهل الزوجین
 او من شرعها
 در شقاق زوج و زوجه ابتدا به حکمینی از طرفین یا غیر آن مراجعه میکنند
 بعد که مشکل زوجین را شنیدند یا هم تصمیم بگیرند که چطور مشکل این هارا حل کنند
 حکمیا
 اگر تصمیم حکمین بر اصلاح بود
 فلهما (فلهما باید زوجین انجام دهند)
 و إن اتفقا علی التفریق
 اگر حکم حکمین بر تفریق بود
 لم یصح إلا بإذن
 در صورتی صحیح ست که اذن بدهند
 و هرچی تصمیم بگیرند باید زوجین به آن عمل کنند، و مجبور به حکم حکم هستند
 شرط سائق
 مثلاً مرد از 4 شب یک شب . دو شب پیش زنش باشد
 و کلّ ما شرطه بلزم إذا کان سائياً
 شرط غیر سائق
 کاشترط ترک بعضی النفقة، أو القسمة
 او آن لا یسافر (مرد مسافرت نرود) بها لم یلزم الوفاء به

احکام

و یلزم الوفاء به
 و هرچی تصمیم بگیرند باید زوجین به آن عمل کنند، و مجبور به حکم حکم هستند
 شرط سائق
 مثلاً مرد از 4 شب یک شب . دو شب پیش زنش باشد
 و کلّ ما شرطه بلزم إذا کان سائياً
 شرط غیر سائق
 کاشترط ترک بعضی النفقة، أو القسمة
 او آن لا یسافر (مرد مسافرت نرود) بها لم یلزم الوفاء به

و تلحق بذلک نظران